یادداشت

بی‌نیاز از خلق

حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدرضا جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

راه کسب محبت مردم چیست؟ اهل بیت(ع) محبوب مردم بوده‌اند و راه کسب محبوبیت را به مردم نشان داده‌اند. در احادیث پیامبر و امامان(ع) راه کسب محبوبیت مردمی آموزش داده شده است. امام جواد(ع) در تبیین راه به‌دست آوردن محبت عموم مردم فرموده‌اند: مَنِ استَغنی بِاللهِ إفتَقَرَ النّاسَ إلَیهِ وَ مَنِ اتَّقَی ا... أحَبَّهُ النّاسُ وَإن کَرِهُوا: هرکه ثروتش خدا باشد و خود را به وسیله خداوند بی‌نیاز بداند، مردم به او محتاج شوند و هرکه تقوای الهی را پیشه کند، مردم دوستدار او شوند و مورد محبت مردم قرار می‌گیرد؛ گرچه ناخواسته باشد. این حدیث امام محمدتقی(ع) دو بخش دارد و دارای دو پیام است. (کشف‌الغمه فی معرفه‌الأئمه علیهم‌السلام، ج۲، ص۳۴۷/ حلیه‌الابرار فی احوال محمد و آله‌الاطهار علیهم‌السلام، ج۴، ص۵۹۷ / بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۷۹).

استغنای درست

کدام استغنا خوب است؟ در جمله «مَنِ استَغنی بِاللهِ إفتَقَرَ النّاسَ إلَیهِ» پاسخ این پرسش نهفته است. استغنا به دو صورت می‌تواند باشد. «استَغنی عَنِ ا... أو مِنَ ا...» یک صورت است. این صورت زشت و بد است. اینکه انسان خود را از خدا بی‌نیاز بداند و استغنا از خدا داشته باشد و در اظهارات خود با خداوند ارتباطی برقرار نکند، ناروا و باطل است. گاهی انسان با خداکاری ندارد و خود را بی‌نیاز از خدا می‌داند و می‌گوید خودم تمام نیازهایم را برآورده می‌کنم و به خدا احتیاجی ندارم. آدم‌های مستکبر و مغرور و کافران و طاغوت‌ها خود را از خداوند بی‌نیاز می‌دانند. آن‌ها خدا را فراموش می‌کنند و خداوند نیز آنان را فراموش می‌کند و نیازمند دیگران خواهند شد. قرآن کریم فرموده است: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِی أَعْمَی وَقَدْ کُنتُ بَصِیرًا قَالَ کَذَلِکَ أَتَتْکَ آیَاتُنَا فَنَسِیتَهَا وَکَذَلِکَ الْیَوْمَ تُنسَی» می‌فرماید: پروردگارا، چرا نابینا محشورم کردی؟ من که بینا بوده‌ام، خداوند می‌فرماید: آن‌گونه که آیات من برای تو آمد و تو آن‌ها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد. (طه، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶).

این بی‌نیازی و فراموشی خداوند بسیار بد و زیان‌بار است. امام نهم در این حدیث روش صحیح استغنا را به همگان یاد داده‌اند. «استَغنی بِاللهِ» راه رشد و کمال است. صورت دوم استغنا، طلب بی‌نیازی به وسیله خداوند و با داشتن خدا و توکل بر او است که در این حدیث به آن سفارش شده است. استغناء بالله این است که با خداوند، خود را بی‌نیاز بداند، در همه چیز خود را نیازمند خدا دانسته، باور داشته باشد که خدا برآورنده همه نیازهای نیازمندان است. چنین انسانی با یاد خدا و دلبستگی به خدا بی‌نیاز می‌شود و دیگران نیازمند او خواهند شد. کسی که به درگاه الهی روی آورد، بی‌نیاز می‌شود و مردم به او احساس نیاز خواهند کرد.

راه محبوبیت نزد مردم

در بخش دوم حدیث، راه کسب محبت انسان‌ها نشان داده شده است. جمله «وَ مَنِ اتَّقَی ا... أحَبَّهُ النّاسُ وَإن کَرِهُوا» دوست داشتن باتقوایان را طبیعی و ذاتی و حقیقت می‌شمارد. اگر انسان تقوا داشته باشد، مردم او را دوست خواهند داشت، حتی کسانی که خود تقوا ندارند، به باتقوایان و اهل تقوا علاقه دارند. براساس حسن و قبح ذاتی و عقلی، انسان‌هایی که به حسن و قبح شرعی نرسیده‌اند، نیز خوبی‌ها و تقوا را دوست دارند. اگر خود در ظاهر آراسته به تقوا نیستند، ناخواسته انسان باتقوا را دوست دارند. در فطرت انسان‌ها گرایش به خوبی‌ها و انسانیت و اخلاق زیبا وجود دارد. با اینکه اکراه دارند باتقوا باشند، باتقوایان را دوست دارند. تقوا فرمان برداری از خدا و رهایی از وسوسه‌های شیطان است. تقوا آراستگی به فضیلت‌های اخلاقی و پیراستگی از رذیلت‌هاست. تقوا خوش‌اخلاقی و روابط و برخورد با احترام و زیبا و گفتار نیک و مهربانی با انسان‌هاست.

امام جواد(ع) در این حدیث واژه «ناس» را به‌کار برده‌اند. عموم مردم، فرد باتقوا را دوست می‌دارند نه یک گروه و قشر و حزب و دسته خاص را؛ هم با تقوایان، متقی را دوست دارند و هم بی‌تقوایان. خداوند، محبت انسان‌های متقی و پرهیزکار را در دل‌های مردم قرار داده و فرموده است: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: قطعا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی را برای آن‌ها در دل‌ها قرار می‌دهد». (مریم، آیه ۹۶).

پیام بخش نخست این حدیث، ضرورت و ارزش استغناء بالله و توکل به خدا و نقش آن در رستگاری است. پیام بخش دوم نیز اهمیت و لزوم آراستگی به تقوا و رسیدن به محبوبیت مردمی است.

اشارت

دل و مال را قبل از دعا پاک کنید

طیبه اشرفی| اگاه در عجبم که چرا این همه دعای ما به اجابت نمی‌رسد و این همه درخواست و توسل و عرض حاجت، ما را به مقصود نمی‌رساند و چه بسا در این باره گلایه‌مند شویم، درحالی‌که علت اصلی را باید در خود جست‌وجو کنیم. پاکی دل در اجابت دعا نقشی بسیار مهم دارد. امام علی(ع) می‌فرمایند: «بهترین دعا، دعایی است که از سینه‌ای پرهیزکار و دلی پاک برخیزد».
(تنبیه‌الخواطر: ۱۵۴/۲)

از رسول خدا(ص) است که فرمودند: «بدانید که خداوند، دعایی را که از دلی غافل و بی‌خبر باشد، نمی‌پذیرد».
(بحارالأنوار: ۳۱/۳۲۱/۹۳)

و نیز از ایشان است که: «بدانید که خداوند از دل غافل، دعایی را نمی‌پذیرد».
(أعلام‌الدین: ۲۹۵)

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «خداوند عزوجل دعایی را که از دلی غافل و بی‌توجه سر زند، اجابت نمی‌کند. پس، هرگاه دعا کردی، با دلت [به خدا] روی آر و یقین بدان که در این صورت، دعایت مستجاب می‌شود».
(الکافی: ۴/۴۷۴/۲)

ایشان همچنین می‌فرمایند: «خداوند دعایی را که از پشت قلب با قساوت برخیزد، مستجاب نمی‌کند».
(بحارالأنوار: ۵/۳۴۴/۹۳)

پاکی درآمد و حلال بودن آن، دیگر شرط اجابت و رسیدن به مقصود در دعاهاست؛ در حدیث قدسی آمده است: «از تو دعا کردن است و از من اجابت کردن؛ هیچ دعایی از من پوشیده و در حجاب نماند، مگر دعای حرام‌خوار».
(بحارالأنوار: ۱۶/۳۷۳/۹۳)

و از پیامبر خدا(ص) است که فرمودند: «همانا بنده دستش را [برای دعا] به درگاه خدا بالا می‌برد، درحالی‌که خوراکش حرام است. با چنین حالی، چگونه دعایش مستجاب شود؟».
(إرشادالقلوب: ۱۴۹)

ایشان همچنین در پاسخ به کسی که عرض کرد: دوست دارم دعایم پذیرفته شود، فرمودند: «خوراکت را پاک کن و حرام وارد شکمت مکن».
(عده‌الداعی: ۱۲۸)

و از رسول خدا(ص) روایت است که فرمودند: «درآمدت را پاک کن تا دعایت مستجاب شود؛ زیرا هرگاه آدمی لقمه [ای حرام] به دهان خود ببرد، تا چهل روز دعایی از او پذیرفته نمی‌شود».
(مکارم‌الأخلاق: ۲۰۴۵/۲/۲)

با رعایت سنت‌های حسنه، حیات و پویایی زندگی خود و دیگران را تضمین کنیم

خانه‌هایی با عطر بهشت

گزارش

آمنه مستقیمی| خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی و عامل سعادت یا انحراف جامعه است و اینکه اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی، تشکیل خانواده را مقدس‌ترین پیوند در عالم امکان معرفی می‌کند، اهمیت حفظ این بنای مقدس و مؤثر بیش از پیش آشکار می‌کند. درکنار چارچوب‌های کلانی که از خانواده حفاظت می‌کنند، هستند سنت‌ها و رفتارهایی کوچک اما به‌شدت اثرگذار که بی‌توجهی به آن‌ها، می‌تواند خانواده را از هدف اصلی‌اش بازدارد. در ادامه براین سنت‌های حسنه مروری انجام می‌دهیم.

تکریم بزرگ‌تر

یکی از سنت‌های مهم خانوادگی که گاه به بهانه مشکلات و عوض شدن دوره و زمانه و گرفتاری‌های روزافزون زندگی، از آن شانه خالی می‌کنیم، احترام به بزرگ‌ترهاست، درحالی‌که رعایت ادب و اقتضای حق‌شناسی دربرابر عمری تلاش صادقانه و ایثارها، گذشت‌ها، دلسوزی‌ها و سوختن‌ها و ساختن‌ها که بزرگ‌ترها از خود نشان داده‌اند، آن است که در خانواده‌ها مورد تکریم قرار گیرند، عزیز و محترم باشند، به آنان بی‌مهری نشود، خاطرشان آزرده نشود، به توصیه‌ها و راهنمایی‌هایی که از سر دلسوزی و تجربه می‌کنند، بی‌اعتنایی نشود.

رعایت حرمت موی سپید

بزرگ‌سالی و موی سپید در فرهنگ دینی ما حرمت دارد؛ چنان‌که پیامبر خدا(ص) فرمودند: «هرکه فضیلت و مقام یک بزرگ را به خاطر سن‌وسالش بشناسد و او را مورد احترام قرار دهد، خدای متعال او را از هراس و نگرانی روز قیامت ایمن می‌دارد» و نیز توصیه امام صادق(ع) است که فرموده‌اند: «کسی که بزرگ ما را احترام نکند و کوچک ما را مشمول شفقت و عطوفت قرار ندهد، از ما نیست». مولای متقیان(ع) نیز می‌فرمایند: «دانشمند را به خاطر علمش و بزرگ‌سال را به خاطر سنش باید احترام کرد».

رعایت حریم‌ها

یکی از سخنانی که به‌اشتباه رایج شده و آسیب‌هایی را هم به‌همراه داشته است، این است که می‌گویند: ما پدر و پسر نیستیم، ما رفیق هستیم! باید توجه داشت در آموزه‌های دینی ما حرمت‌ها و حقوقی بین پدر و مادر و فرزندان وجود دارد که بین دو دوست نیست. این دوستی نباید باعث شود که حرمت پدر و مادر و حقوق آن‌ها زیر پا گذاشته شود و برای مثال آن‌ها را به اسم کوچک بخوانیم و شأنشان رعایت نشود. از امام کاظم(ع) پرسیدند: چه کنیم با پدر و مادر، حضرت فرمودند: «هیچ‌وقت اسمشان را نگو!».

تواضع مرد با خانواده

یکی از سنت‌هایی که به‌تدریج در فضای خانوادگی در حال رنگ باختن است، سنت هم‌سفره شدن و هم‌غذا بودن است؛ سنتی برای باهم بودن و گفتن از مسائل مختلف که زندگی‌های پرمشغله و ساندویچی ما در تلاش برای گرفتن آن از ماست، درحالی‌که بنابر آموزه‌های دینی، مؤمن باید خانواده خود را در همه خوشی‌ها و نعمت‌ها سهیم سازد، حتی در غذا خوردن نیز با آنان باشد. رسول خدا(ص) یکی از نشانه‌های تواضع را هم‌غذا شدن مرد با خانواده خود می‌دانند و می‌فرمایند: «آیا شما را به پنج چیز آگاه نکنم که اگر در کسی باشد، متکبر نیست؟ چوپانی و بستن گوسفند، پوشیدن لباس پشمی، هم‌نشینی با تهیدستان، سوار شدن بر الاغ [کنایه از مرکب ارزان‌قیمت] و هم‌غذا شدن مرد با خانواده‌اش».

حرمت سفره غذا

سفره و آداب آن در آموزه‌های دینی بسیار مورد تأکید است و به قدری حرمت دارد که توصیه شده است اگر بر سر سفره بودید و حتی مهمان وارد شد، از پای آن برنخیزید. خادم امام رضا(ع) از ایشان نقل می‌کند که فرمودند: «زمانی که مشغول خوردن غذا هستید، حتی اگر من بالای سر شما حاضر شوم، از جای خود برنخیزید!» و بسیار پیش می‌آمد که حضرت با ما کاری داشت و به ایشان می‌گفتند که آنان مشغول خوردن غذا هستند و امام می‌فرمودند: «کاری به کارشان نداشته باشید تا غذایشان را تمام کنند».

حسن خلق

خوش‌اخلاقی سنت حسنه دیگری است که به فضای خانواده نشاط و آرامش می‌بخشد و دل‌ها را به‌هم نزدیک می‌کند. اینکه به بهانه مشغله و برای حضور در فضای مجازی، بی‌حوصله و بداخلاق باشیم، ظلم در حق خود و خانواده است. از رسول خدا(ص) روایت است که: «نزدیک‌ترین شما به جایگاه من در قیامت، نیکوترین شما از نظر اخلاق و سودمندترین شما درباره خانواده خویش است». امام سجاد(ع) هم درباره اهمیت نیکی به خانواده می‌فرمایند: «پسندیده‌ترین شما نزد خدا، بهره‌دهنده‌ترین شما بر خانواده است».

مدارا با دیگران

مداراوصلح‌وسازش‌وگذشت، از دیگرویژگی‌هایی است که جای خالی آن، این روزها در فضای خانوادگی بیشتر احساس می‌شود و درحالی‌که آموزه‌های دینی ما را به صبر و مدارا و سازش توصیه می‌کنند و برکات و آثار آن را برمی‌شمارند، روان‌شناسی به اصطلاح زرد در تلاش است انسان و تمایلات و خواسته‌هایش را محور نوع تعامل با اعضای خانواده قرار دهد، تا جایی که می‌گوید هر لحظه دیدی چیزی بر وفق مرادت نیست، لحظه‌ای تأمل نکن، رها کن و برو!

گذشت و صبر

از عوامل مهم تحکیم پایه‌های خانواده و تداوم زندگی، عشق، محبت و گذشت از لغزش‌های اعضای خانواده و مدارا با آنان است. از سیره پیامبر(ص) نیز به خوبی برمی‌آید که زندگی با صبر، عفو و گذشت از خطاهای یکدیگر، پایدار می‌ماند. صبر و تحمل در مقابل بدی‌های همسر (چه در رفتار چه باسخن)، مستحب است. باید توجه داشت که انس و آرامش خانوادگی، نعمت است و با کوچک‌ترین برخورد نامناسب و سخت‌گیری‌های بیجا، نباید آرامش خانواده را به‌هم زد، بلکه بهترین کار مداراست. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «بهترین مردان امت من کسانی هستند که بر خانواده‌شان ستم روا نمی‌دارند و با آنان مهربان هستند و در حق آنان ظلم نمی‌کنند».

همدلی و انس با خانواده

یکی از شیرینی‌های زندگی که عامل مهمی در تقویت روابط همسران و تحکیم خانواده است، درکنار هم بودن و انس و گفت‌وگو با یکدیگر است. توجه مرد به همسر و هم‌سخن شدن با او، روشی پسندیده برای استحکام بنای خانواده است. نگاه دینی افزون بر سفارش به تلاش و کار، به انس و درکنار هم بودن نیز سفارش می‌کند. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «در پیشگاه خداوند متعال، نشستن مرد نزد همسرش، از اعتکاف در مسجد من محبوب‌تر است».

روشنا

امام علی(ع):
تاجُ الرِّجُلِ عَفافُهُ، و زَینُهُ إنصافُهُ؛

تاج مرد، عزت نفْس اوست و زیورش، انصاف او.
(غررالحکم، حدیث ۴۴۹۵).

میقات روز دوم

به تربتت سوگند

مسعود فرشته‌پور| به تربت پاکت که نگاه می‌کنم، گویی هنوز بوی خون می‌آید. هنوز نسیمی که از کربلا می‌وزد، داغ‌دار است. زمین، نفس نمی‌کشد جز با آه و آسمان، هر صبح عاشورا را از نو می‌گرید. امروز در میقات خود به شرح فرازهای آغازین زیارت عاشورا می‌پردازیم. در ابتدای زیارت عاشورا، هنوز سخن از انتقام نیست، هنوز زبان به لعن باز نشده، اما دل، در دریای غم تو غرق است.

بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی، لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِی بِکَ.

پدر و مادرم فدای تو که داغ تو از هر داغی برایم سنگین‌تر است.

در این فراز از زیارت، زائر نه فقط سلام می‌دهد و نه فقط سوگواری می‌کند، بلکه سخنی از جنس جان می‌گوید. این جمله، آیینه‌ای است از عمق رابطه‌ای که یک دلِ شیعه با امام حسین(ع) دارد؛ رابطه‌ای فراتر از زمان، فراتر از مکان و فراتر از واژه و این نه گفتاری سبک که از اعماق جان یک شیعه برمی‌خیزد. انگار از تمام هستی‌اش گذشته است تا به تو برسد و تو را فدای خویش نداند، بلکه خود را نثار تو کند.

گفتن «پدر و مادرم فدایت» رسم ادب نیست، رسم عشق است. نشانه‌ای است از اینکه زائر حاضر است عزیزترین چیزهایش را فدای ولی خدا کند. اما آن‌گاه که می‌گوید «لقد عظم مصابی بک»، راز دلی را برملا می‌کند؛ رازی که از داغی کهن حکایت دارد؛ داغی که هرگز کهنه نمی‌شود. مصیبت تو، ای حسین، برای ما فقط یک حادثه تاریخی نیست؛ تکه‌ای از وجود ماست. غم تو، در جان ما تنیده شده است، در اشک‌های پنهانمان جاری است و در هر نماز، هر زیارت، هر آه بی‌صدا زنده می‌شود. این عبارت، نقطه ورود ما به زیارت عاشوراست؛ جایی که باید بفهمیم زیارت، فقط خواندن کلمات نیست؛ حضور در واقعه است. ایستادن در دل کربلا و به زبان آوردن اندوهی که فراتر از قرن‌ها، همچنان جاری است.

در این روز اول، از خودمان بپرسیم: داغ حسین چقدر برایمان عظیم است؟ آیا مصیبتش را بزرگ می‌شماریم یا تنها به سوگواری ظاهری بسنده کرده‌ایم؟

بیاییدازهمین آغاز دل را در آستانه این جمله نگه داریم؛ با دلی داغ‌دار، اما بیدار.